

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

«بررسی شخصیت آیت الله امامی کاشانی»

جلسه ۳۷۷ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۲/۱۲/۱۴

- حضرت آیت‌الله امامی کاشانی؛ حسنه‌ای برای روزگار ما
- استشمام عطر گل‌های ملکوت
- دعا؛ راه میان‌بر برای ارتباط با عالم معنا
- حضرت آیت‌الله امامی کاشانی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) حقیقتاً آیت‌الله بود
- آیت‌الله امامی کاشانی (رضوان‌الله‌علیه) حظ وافر از حُسن خلق داشتند
- حفظ مکارم اخلاقی در تمام فراز و نشیب‌ها
- نماد حضور اخلاق در سیاست
- آیت‌الله امامی کاشانی اهل خیررسانی و گره‌گشایی بودند
- بصیرت و روشن‌بینی آیت‌الله امامی کاشانی (رضوان‌الله‌علیه)
- داشتن بیان باحلاوت و روحیه کار جمعی
- اهتزاز مدرسه عالی شهید مطهری
- اشتیاق و ارادت نسبت به حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ)
- حالات نماز و مناجات آیت‌الله امامی کاشانی (رضوان‌الله‌علیه)
- برای اُنس گرفتن با خدای متعال، وقت خیلی کم است
- ماه مبارک رمضان؛ راه میان‌بر به سوی مقاصد عالی
- بشارت فتح برای مردم مظلوم غزه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردالمجد

حضرت آیت الله امامی کاشانی؛ حسنه‌ای برای روزگار ما

هم هست که هستند در بین
بندگان خدا کسانی که خدای
متعال به وسیله آن‌ها بلاها را
دفع می‌کند، به وسیله آن‌ها
رحمت و لطف الهی شامل
حال مردم می‌شود. بدون
شک حضرت آیت الله امامی
کاشانی یک چنین رجلی
بود. ایشان به نوعی حق
حیات گردن ما داشته است.

استشمام عطر گل‌های ملکوت

خداوند تبارک و تعالی به
آیت الله امامی کاشانی این
لطف را کرده بود که ایشان
یک شخصیت بسیار بسیار
زلال و صاف و خالص و شفاف
و آینه‌سانی داشتند، این خیلی
لطف بزرگی است که خدای
متعال در باره کسی انجام
دهد. این قدر این مرد نازنین
و باصفا بود، حتماً خیلی
سیروسلوک هم می‌خواهد که
انسان به یک چنین نقطه‌ای

یاد کنیم از مرحوم آیت الله
امامی کاشانی (رحمة الله علیه)، استاد
عزیز و عالی قدر ما که این
ایام به فراق ایشان مبتلا
شدیم. حضرت آیت الله امامی
کاشانی یکی از حسنات روزگار
ما بودند. بعضی‌ها برای
روزگار خودشان یک حسنه
هستند، یک نماد از جمال
الهی از لطف خدای متعال.
بعضی‌ها این خصوصیت را
دارند که وقتی هستند انسان
یک اطمینان خاطر دارد که
دستی به سوی آسمان برداشته
می‌شود. یک رازی، نیازی،
یک دعای خالصی هست که
آسمان را متوجه زمین کند و
لطف خدای متعال را شامل
حال بندگانش کند. در روایات

برسد. از همین رهگذر بهره‌مند از لطافت روح بودند. از جهت روحی و آن شفافیت و صفا و این لطافتی که از جهت روحی خدای متعال به ایشان کرامت کرده بود، این سبب می‌شد که با عالم ملکوت و حقایق قدسی و حقایق آسمانی ارتباط خیلی نزدیکی برقرار کند، ایشان در یک چنین افقی بود.

انسان وقتی محضر ایشان شرفیاب می‌شد، واقعاً می‌شد از وجود نازنین حضرت ایشان عطر گل‌های ملکوت را استشمام کنید. یعنی می‌شد رایحه بهشت را استشمام کرد، واقعاً محضر ایشان یک چنین حال خوشی داشت و خداوند تبارک و تعالی خیلی از حقایق را در عالم رؤیا به خاطر همین صفا و نورانیت و گاهی هم در حالات منامیه به ایشان نشان داده بود که خودش یک داستان مستقلی است.

من یک وقتی از ایشان خواهش کردم، شاید یکی دو ماه پیش که یک جلسه مفصلی محضرشان دو نفری بودیم و چقدر خوب بود آن جلسه و خوش گذشت، چه اسراری و مطالبی مبادله شد، آن جا از ایشان خواهش کردم که این رؤیاها و این مشاهداتی که شما از حقایق ملکوتی دارید، این‌ها را کاش مضبوط می‌کردید. که حالا انجام شده یا نشده نمی‌دانم. این قدر باصفا. ایشان انس فوق‌العاده‌ای با قرآن کریم، با کلمات اهل بیت (علیهم‌السلام) داشتند. از برکت ارتباط با حضرت علامه طباطبایی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، آن مرد بزرگ و آن شخصیت حقیقتاً با عظمت روزگار ما؛ علامه طباطبایی (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، خب سال‌ها شاگردی حضرت ایشان باعث شده بود که استاد ما از درک

دعا؛ راه میان بر برای ارتباط با عالم معنا

اگر کسی بخواهد با عالم معنا ارتباط پیدا کند راه نزدیک و راه میان بر آن دعا است که ماها نوعاً محروم هستیم. می‌گویند قرآن ساعد است. راهش دعا است یعنی حرف زدن با خدای متعال. بعد آن وقت این جا باید به دو سؤال جواب بدهیم که ما اولاً از خدای متعال چی بخواهیم؟ دوم این که چگونه بخواهیم؟ و اولیاء خدا به این دو سؤال ما جواب دادند. صحیفه مبارکه سجادیه در واقع پاسخ به این دو سؤال است. ما از خدا چی بخواهیم؟ راهنمایی مان کردند. چگونه بخواهیم؟ راهنمایی شدیم. آن وقت این مجموعه‌ای که ما به عنوان دعاها از ائمه (علیهم السلام) داریم این گونه است. همین صحیفه مبارکه، این مناجات شعبانیه، دعای کمیل و دعاهایی که از

لطائف قرآنی بحمدالله حظ وافر داشت، یعنی به ایشان چشمانده بودند. این خیلی توفیق بزرگی است. این طور نبود که همین مثلاً تلاوت ظاهری آیات، بلکه برداشت‌های دقیق، برداشت‌های عالی و پیش‌برنده و سازنده، خدای متعال روزی‌شان کرده بود. خب از نوجوانی انس با قرآن و همواره این بود تا آخر، لذا گاهی جلساتی که ایشان ارائه بحث‌های تفسیری داشتند باز آن ارائه‌های لطیف و دقیق و آن برداشت‌های واقعاً ظریف را می‌شد از محضر ایشان استفاده کرد. در این میانه انس فوق‌العاده‌ای با دعا داشتند.

ائمہ (علیہم السلام) رسیده است. این مناجات ابو حمزه که در آن دعای سحر ماه مبارک رمضان؛ «اللهم انی اسئلك من بهائک»^۱ و امثال این‌ها. این‌ها این راه را برای ما باز کرده‌اند. خیلی قیمتی است.

آیت‌الله امامی کاشانی (رضوان‌الله تعالی علیه) حقیقتاً آیت‌الله بود

حضرت آیت‌الله امامی کاشانی (رضوان‌الله تعالی علیه) حقیقتاً آیت‌الله بود. بعضی‌ها اسم است، یک اسمی است. عیبی ندارد، شما خیلی‌ها را می‌گویید دکتر، اما این کجا و آن کجا. بعضی‌ها آدم می‌رود پیش آن‌ها دکتر هستند ولی آدم مریض می‌شود. بعضی‌ها اصلاً نیاز ندارد به شما دارو بدهند، شما را نگاه می‌کنند خوب می‌شوید. این تأثیر نفسی است که دارند.

۱ فرازی از دعای سحر ماه مبارک رمضان

این عنوان را هم خیلی‌ها دارند، خیلی‌ها تشریفاتی است، به خیلی‌ها همین جوری می‌گویند، اصلاً روی بی‌حساب؛ اما حضرت ایشان به معنا آیت‌الله بود، یعنی هم از نظر روحانیت و معنویت و قدسیت که انسان در حضور او یاد خدای متعال می‌افتاد، حس فطری انسان و عطش فطری انسان در انسان زنده می‌شد و این دل‌تنگی انسان برای ارتباط با خدای متعال، این در او پیدا می‌شد. شما با بعضی‌ها نشست و برخاست می‌کنید عمدتاً ذهن‌تان درگیر خواهش‌های نفسانی و دنیایی و این‌ها می‌شود، اما ایشان واقعاً از مصادیق کسانی بود که «مَنْ يُذَكِّرْكُمْ اللَّهُ رُؤْيْتَهُ»^۲. شما ایشان را می‌دیدید به یاد خدای متعال و به یاد اسماء حسنی می‌افتادید، به یاد زیبایی‌های ایمانی می‌افتید.

۲ الکافی، جلد ۱، صفحه ۳۹

غرض به معنا آیت‌الله بودند، هم از جهت روحانیت و قدسیت و آن اتصال ملکوتی که اصل آیت‌اللہی مال این است که اگر کسی به آن برسد و بعد هم آن جهات علمی که عرض می‌کنم چه معقول، چه منقول بالاخره بهره‌مند بودند و در همه این سال‌ها هم اتصال و ارتباطشان برقرار بود.

آیت‌الله امامی کاشانی (رضوان‌الله‌علیه) حظ وافر از حُسن خلق داشتند

ایشان به معنای کلمه صاحب حُسن خلق بودند، یعنی خوش محضر، خوش سخن، خوش رو، متواضع، صمیمی و گرم، از نظر ارتباط خیلی فوق‌العاده بودند، با شاگردها خیلی خودمانی، بسیار صمیمی، بامحبت، یعنی واقعاً آن چیزی که ما در روایات در باب حُسن خلق داریم، من هم این جا برای شما چند نوبت به شکل

الحمدلله حظ وافری هم از جهت علمی داشتند؛ چه فقهی، چه اصولی، چه تفسیری، چه اصولی، چه حکمی، چه علوم عقلی خدای متعال به ایشان روزی کرده بود. استادهای خیلی خوب و ایشان هم الحمدلله بهره خوب برده بودند، لذا از آن سلف صالح خوب نمایندگی می‌کرد، یعنی شما خدمت ایشان بودید هم آن عظمت فقهی و آن شکوه علمی امام راحل عظیم‌الشان را داشتید، وقتی محضر ایشان بودید آن لطف و صفا و لطافت طبع حضرت علامه طباطبایی را داشتید، این‌ها را انسان همین جور نقد داشت، خوب توانسته بودند از محضر اساتیدشان بهره‌مند بشوند، و سایر بزرگانی که ایشان بحمدلله از محضر آن‌ها بهره‌مند شده بودند، خیلی شیرین بود محضرشان. حالا

مبسوط بحثش را مطرح کردم، واقعاً از آن حظ وافر داشتند؛ یعنی همان که در سیره اولیاء هست، در سیره پیامبر عزیزمان هست را شما در شخصیت حضرت استاد (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) می‌توانستید ببینید.

حفظ مکارم اخلاقی در تمام فراز و نشیب‌ها

ده‌ها هزار نفر پای صحبتش نشستند خودش را گم می‌کند، از دست می‌دهد، آن جا ظرفیت می‌خواهد. برای ایشان اصلاً فرقی نمی‌کند و در همه این فراز و فرودها، یک وقتی که مثلاً در جایگاه‌هایی بودند که می‌توانستند تصمیمات بزرگ بگیرند، در مواقع خطیر، گاهی این جوری است که آن جاها شخص آیا این زیبایی‌های اخلاقی را حفظ می‌کند؟ گاهی در منازعات سیاسی، ابتلائات سیاسی، پیدا شدن رقیب و امثال این‌ها، دیدید مثلاً بعضی آدم‌ها مردمان بدی نیستند اما انتخابات که

خداوند تبارک و تعالی به ایشان یک توفیق دیگری هم داده بود، این بهره‌ای که ایشان از مکارم اخلاق و از حُسن خلق و از مکارم اخلاقی، زیبایی‌های اخلاقی داشتند، این‌ها را در تمام فراز و نشیب‌ها حفظ کردند، این مهم است، وَا لَا زَمَانَهُ فِرَازُ وَ فِرُودُ دَارِدُ، «فِي تَقْلِبِ الْأَحْوَالِ عِلْمٌ جَوَاهِرُ الرَّجَالِ»^۳.

بعضی‌ها مثلاً وقتی منزوی

نزدیک محضرشان بودیم. ما از سال ۶۰ تا حالا خدمت حاج آقا بودیم. در تمام این سال‌ها ایشان از نظر اخلاقی هر روز کامل‌تر و پخته‌تر و شیرین‌تر و دقیق‌تر بودند. لذا خیلی از این مسائل سیاسی پیش می‌آمد ایشان اصلاً از آن معیارهای اخلاقی عدول نمی‌کردند، به هیچ وجه، در حالی که خیلی از ایشان توقع داشتند، خیلی‌ها مراجعه می‌کردند. نه، همان صراط مستقیم. خیلی توفیق بزرگی است. حالا من که می‌گویم خیلی مواقع آن‌ها را نمی‌توانم برای شما توضیح بدهم. در این ۴۵ سال چقدر فراز و نشیب و داستان‌ها و قصه‌ها بود. آیت‌الله امامی کاشانی نماد حضور اخلاق در عالم سیاست بود. یعنی ظرفیت، بردباری، حریم نگه داشتن، احتیاط، قضاوت نکردن در باره دیگران،

می‌شود رفتارهایی که شما مشاهده می‌کنید می‌بینید این‌ها اصلاً ربطی به آن بحث‌هایی که تا قبل از این داشتیم اصلاً به این‌ها ربطی ندارد. این آدم انگار نه انگار، مثلاً می‌بینی چقدر راحت دارد دیگران را تخریب می‌کند، این خیال می‌کند مثلاً آمده در محیط انتخابات حالا می‌شود حساب رقیب را رسید. یعنی آن جا دیگر از دست می‌روند.

آیت‌الله امامی کاشانی (رضوان‌الله‌علیه): نماد حضور اخلاق در سیاست

حضرت آیت‌الله امامی کاشانی نماد حضور اخلاق در سیاست بود. هیچ وقت معیارهایش را از دست نداد، چون این ۴۵ سال به اضافه این که ایشان قبل از انقلاب هم در مبارزات و این‌ها ورود داشتند، ولی این سال‌ها دیگر ما از

منتشر کنیم، خب تمام این‌ها گناه کبیره است، کل آن گناه کبیره است. من نمی‌دانم چگونه مرتکب می‌شوند. مع‌الاسف بعضی از این‌هایی هم که مرتکب می‌شوند رأی هم می‌آورند، این خیلی اُسف شدید است. وامصیبتا آن صندلی مجلسی که یک آدمی از طریق گناه یا خودش یا اطرافیان‌شان این را آورده باشند این جا. یعنی با تخریب دیگران، با آبرویزی برای دیگران یک کسی بیاید جلو. این چه برکتی در آن است؟ آن جمله امام حسین (علیه‌الصلاة والسلام) چقدر صریح بود که فرمودند جزو آن کسانی نباشید که از طریق گناه بخواهید به چیزی برسید. ظاهراً ممکن است برسید ولی برای شما لحظه لحظه‌اش وزر است. غرض ایشان این گونه بودند؛ اخلاقی، که حالا خاطره‌ها

حتی در مورد مخالفین، حتی در باره رقبا و فلان، هیچی، خیلی فوق‌العاده بود. نه فقط در اجتماعات بزرگ ایشان به همین طبع اخلاقی‌شان مشهور بودند، در جلسات خصوصی‌شان هم همین طور بودند. یعنی همان مرزها و احتیاط‌ها که اکنون در جامعه ما خیلی کم شده است. مخصوصاً وقتی باب مثلاً مسائل سیاسی و این‌ها مطرح می‌شود کلاً باب احتیاط بسته می‌شود، انگار نه انگار این جا باید ما مسائل اخلاقی و حق‌الناس و گفتن در باره دیگران و غیبت را رعایت کنیم، همه این چیزها مجاز می‌شود؛ غیبت و تهمت و افشای اسرار و افشای عیوب، مدام سر دست گرفتن عیب مردم و کشف اشکالات‌شان، برویم کشف کنیم، استخراج کنیم بعد سر دست بگیریم،

گذاشتند. حتی یادم هست یک سال‌هایی خودش مستقیم، مباشر پا می‌شد می‌رفت مثلاً بعضی از این کشورهای اروپایی که این‌ها در این زمینه کارهای پیشرفته داشتند، مطالعه که می‌شد خودشان می‌رفتند پیگیری می‌کردند بعضی از این دستگاه‌ها و امکانات و تجهیزات را پیگیری می‌کردند که بیاید در خدمت این بچه‌ها قرار بگیرد. اگر یک وقتی لازم بشود در باره‌اش صحبتش بشود خودش یک رشته‌ای است. همه‌اش هم به نام ولی عصر (علیه‌السلام) و به اسم امام زمان. این هم از آن توفیقات بزرگ ایشان است.

در این زمینه خیلی زیاد است. سعه صدر فوق‌العاده.

آیت‌الله امامی کاشانی (رضوان‌الله‌علیه) اهل خیررسانی و گره‌گشایی بودند

بعد هم جهت استحضارتان ماشاءالله ماشاءالله تا دل‌تان بخواهد اهل خیررسانی و گره‌گشایی که حالا این وجهه شخصیت ایشان شناخته شده هم نیست. من اخیراً دیدم بعضی‌ها دارند از این بخش صحبت می‌کنند. حالا چقدر ایشان خدمت کردند، مخصوصاً به جامعه بیماران، به بیماران خاص، به این‌هایی که گرفتاری خاص دارند؛ بچه‌های عقب مانده و این‌ها. ایشان چقدر بیمارستان تأسیس کرده برای این‌ها. در همین تهران چند بیمارستان، در شیراز، در کجا، خود حاج آقا تأسیس کرده است؛ یعنی ایستادند آبرو

بصیرت و روشن بینی آیت الله امامی کاشانی (رضوان الله علیه)

حضرت آیت الله امامی کاشانی (رضوان الله علیه) از آن افراد بصیر و روشن بینی بود که از قبل در زمان امام راجع به حضرت آقا تشخیص داشت. در همین مدرسه عالی شهید مطهری، تمام عمامه گذاری ها توسط حضرت آقا انجام می شد. خود حضرت آیت الله امامی کاشانی دعوت می کردند. آقا آن زمان جوان هم بودند، رئیس جمهور بودند، ایشان داشت این پیام را می داد که این شخصیت بزرگ معنویتش، علمش، فضلش، غیر از آن جهات سیاسی که می شناسید خبرهای دیگر هم هست. برای عمامه گذاری معمولاً افراد خاصی را می آورند، ایشان مقید بودند. حتی یک بار در یک مناسبتی ایشان فرموده بودند همین آسید علی آقای خودمان، ایشان هیچی کم ندارد، تشخیص داشت. بعد هم در کنار رهبر

آیت الله امامی کاشانی شاگرد امام بود، فقهی و اصولی، هفت هشت سال صبح و عصر پای درس امام در قم بودند. کل این حضرات شاگردهای امام بودند، با امام نسبت شان شاگردی بود، لذا تبعیت از امام برای این ها ولو رتبه بزرگی بود اما امتحان خیلی سختی نبود، چون تبعیت شاگرد از استاد نوعاً آسان است. اما حالا شما کسانی که با هم همسنگر هستید یکی از شما می خواهد بشود فرمانده، حالا چی؟ امتحان خاص می شود. این جا، فرق می کند. نسبت ایشان با رهبر عزیز و عالی قدرمان یک نسبت دوست صمیمی قدیمی در مبارزه، در فعالیت ها امثال این ها بود. امام که به لقاء الله پیوست، امتحان برای این جماعت امتحان سنگینی شد.

داشتن بیان باحلاوت و روحیه کار جمعی در آیت‌الله امامی کاشانی (رضوان‌الله‌علیه)

خداوند تبارک و تعالی قدرت بیان به این استاد عالی قدر داده بود، ایشان خیلی بیان باحلاوتی داشتند، مخصوصاً جوان‌تری‌هایشان را شما دیدید. ما از این جهت از بچگی‌هایمان با ایشان آشنا بودیم، محل ما دعوت می‌شدند و پدر بزرگ من از مریدهای حاج آقا بودند. این‌ها دعوت می‌شدند به دماوند ما، محله ما. دماوند ما با این که جای کوچکی است ولی برای خودش پنج شش محل دارد، در آن حسینیه محل ما، از جمله دهگی دعوت می‌شدند. بیان بسیار قوی، شوق‌انگیز، مستند، قابل استفاده، این‌ها بود، خلاصه این جوری بود.

عزیزمان باز در فراز و نشیب‌ها ثابت و استوار و همراه، کمک کننده، تا لحظه آخر یار بودند. این‌ها واقعاً درس است.

صراط مستقیم ولایت خیلی چیز مهمی است. انسان همیشه در آن راه مستقیم باشد. اعوجاج نداشته باشد، تردید نکند، کم نیاورد، این ور و آن ور نرود، راست و چپ نرود، خیلی‌ها رفتند. بله؛ از همین رفقای خود حاج آقا، از همین رفقای نزدیک خود حضرت ایشان در دوره مبارزات مگر کم بودند کسانی که در این مسیرها همه معوج شدند. یکی رفت این ور، یکی رفت آن ور، کم آوردند، هر کدام هم در یک مناسبتی کم آوردند، دلخور شدند، دلگیر شدند، حق ما داده نشد، مراعات ما نشد. ولی ایشان همین جور مستقیم بودند تا آخر. تمام این‌ها درس است.

زمینه توفیق دارم، سال‌هایی است خدمتگزار هستم.

اهتزاز مدرسه عالی شهید مطهری توسط آیت‌الله امامی کاشانی (رضوان‌الله‌علیه)

غرض ایجاد تشکیلات؛ از جمله مدرسه عالی شهید مطهری، که مدرسه سپهسالار بود امام به ایشان سپردند. همان‌جا ایشان کارهای تبلیغاتی، شورای هماهنگی تبلیغات و این سازمان تبلیغات و این‌ها، همه ریشه‌گذاری‌اش از همین مدرسه عالی شد ولی ایشان مدرسه عالی شهید مطهری را اهتزاز داد، یعنی یک گفتگویی ایشان با شهید مطهری داشته، از آن‌جا برداشت کردند که چه کار باید بکنند بعد آمدند در منهج علمی، در روش کار، که باعث شد این معهد علمی توانست یک ارتفافی پیدا بکند و منشأ کارهای بزرگ

اما علاوه بر این، خصوصیتی که حاج آقا داشتند؛ روحیه تشکیلاتی، کار جمعی و تشخیص‌های خیلی دقیق که نتیجه این نکته دوم این بود که ایشان نقش بسیار جدی در راه‌اندازی تشکل‌های گوناگون داشتند. چه دانشجویی، مخصوصاً دانش‌آموزی، انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، یکی از کسانی که در شکل‌گیری اتحادیه خیلی نقش داشت حضرت آیت‌الله امامی کاشانی بودند. اولین نماینده امام هم در این مجموعه پربرکت آیت‌الله امامی بودند که امام به ایشان سپردند و می‌گفت از امام یک هزار تومانی کمک خواستم، امام دست به جیب کرد یک هزار تومانی به من داد گفت با این بروید خدا به شما برکت می‌دهد و چقدر آن کار برکت داشت که حالا من در این

بعد دیگران آمدند این کار را ادامه دادند، مجموعه‌هایی مثل صدرا، مثل دیگران، دانش‌آموزی در آموزش و پرورش رشته معارف اسلامی، این‌ها همه از کارهای حضرت آیت‌الله امام کاشانی است.

وقتی یک شخصیتی پربرکت باشد این گونه است. حالا شما حساب کنید صدها شاگرد که این‌ها الان هر کدام یک جاهایی مشغول هستند و منشأ خدمت هستند، یعنی دوستان ما، رفقای ما، البته در همان دوره‌ها مدرسه عالی در جنگ هم خیلی فعال بود، خیلی هم شهید دادیم. دوستان هم‌دوره ما. در زمان جنگ مدرسه خیلی فعال بود. همه به برکت وجود نازنین ایشان بود.

باشد، بعد هم امتدادش داد. مثلاً الان در زاهدان مجموعه شعبه دارد، در مشهد دارد، در یزد دارد، بخش عالی. علاوه بر این یک کار بزرگی که حاج آقا کردند تأسیس رشته معارف اسلامی در آموزش و پرورش بود که کار خود ایشان است. یعنی این مجموعه‌ای که خود حاج آقا راه انداختند، دبیرستان‌های شهید مطهری که الان در اقصی نقاط کشور، پسرانه، دخترانه هست. البته الان نمی‌دانم عددش چقدر است، آقای ناسخیان ما هم جزو شخصیت‌هایی بودند که در آن تأسیس نقش داشتند و این مدرسه تهران که خیلی مدرسه پربرکتی بود، من هم بالاخره جزو خادمین آن جا بودم، یک سال‌هایی محضر ایشان معلم آن جا بودم. خلاصه این در کشور الان شاید هفتاد هشتاد شعبه دارد.

اشتیاق و ارادت آیت‌الله امام کاشانی نسبت به حضرت ولی عصر (ارواح‌نفاذ)

حضرت آیت‌الله امام کاشانی به معنای دقیق کلمه مجذوب حضرت بقیه‌الله الاعظم (ارواح‌نفاذ) و علیه الصلاة والسلام و عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود. سه چهار شب پیش ایشان به من زنگ زدند، یعنی دقیقاً یک شب قبل از رحلت‌شان، دو شب قبلش. حدود ساعت نه و نیم تماس گرفتند، اصلاً غیرعادی بود. خودشان هم فرمودند مثل این که من بدوقت زنگ زدم. من یک کمی در صدای‌شان یک حسی داشتم. بعد فرمودند که من یک نکته‌ای به نظرم رسید گفتم باید با شما مشورت کنم و آن مطلب این است که آن کاری که من در باره حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ) انجام می‌دادم تمام شد. همین جور فرمودند تمام شد و شد پانزده جلد. می‌شود تقریباً

یک حالت دائره‌المعارفی. اسمش هم «خط امان» است. بعضی‌هایش قبلاً منتشر شده، ولی خیلی‌هایش هنوز انتشار عمومی نشده است، مخصوصاً مجلدات اخیرش را هنوز منتشر نکردند. ایشان فرمودند آن کار تکمیل شد. بعد به من فرمودند که شما که می‌دانید من برای این کار چقدر زحمت کشیدم، می‌خواستم مشورت کنیم که چه کار کنیم این از آن استفاده بشود؟ عرض کردم آقا من خدمت‌تان شرفیاب می‌شوم مشورت می‌کنیم. قرار شد ما شنبه خدمت‌شان برسیم، شنبه ظهر را قرار گذاشتیم که شنبه یک حادثه‌ای برای ایشان در خانه پیش می‌آید، زمین خورده بودند و بعد هم دیگر منجر به رحلت‌شان شد. البته از آن دیدار، از آن جلسه آخری محروم شدیم.

که ایشان توضیح دادند. از دنیا می‌روم و کار من تمام شد، من را بردند در یک محوطه‌ای و بعد آن جا متوجه شدم که این جایی که من هستم مثل این که در حضور حضرت رضا (علیه‌السلام) هستم. هر آن هم منتظر بودم که جمال‌شان را زیارت کنم. بعد آن جا یک پیکتی، یک صدایی که گویا صدای حضرت بود با یک آهنگ خاصی اعلام کرد که محمد امامی کاشانی می‌ماند، یا بماند، یک چنین چیزی. یعنی می‌ماند. می‌فرمودند وقتی من آن صدا را شنیدم می‌لرزیدم، گفتند می‌ماند. ایشان گفتند که شرایط عوض شد و حال من مساعد شد و دیگر آن کارهایی هم که دکترها داشتند جواب داد. آن وقت ایشان فرمودند من آن جا متوجه شدم که من ماندم که این کاری را که برای

این کاری که ایشان گفتند یک کار خاصی راجع به حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نفسه) است، آن پانزده جلدی که آقا کار کردند. سال ۷۷ من امام جمعه دماوند بودم. از ایشان، از حضرت آیت‌الله جوادی آملی و از حضرت آیت‌الله مرعشی که اساتید من بودند، هر سه را دعوت کرده بودم منزل، مهمان ما بودند. خدمت‌شان شرفیاب بودیم، اساتید من تقریباً همه‌شان نوعاً به من لطف داشتند، این هم یکی از الطاف الهی برای ما بوده است. آن جا صحبت از این کار شد. ایشان یک مشکل قلبی پیدا کرده بود، یعنی چه بسا سگته قلبی که بعد منجر شد به عمل قلب باز، کار سنگینی انجام شد. ایشان فرمودند این قصه‌ای که برای من پیش آمد، من تقریباً از دنیا رفتم که حالا داستان مفصلی داشت

بود و می‌دانید در نماز جمعه تهران کسی که از همه بیشتر خطبه خوانده حضرت استاد امامی کاشانی است. ایشان بیش از پانصد خطبه در نماز تهران خوانده است. ایشان امام موقت بودند. آن زمانی که خود حضرت آقا منظم‌تر می‌آمدند، این‌هایی که موقت بودند کمتر شرکت می‌کردند، حضرت آقای امامی کاشانی جزو کسانی بود که بیشتر از همه خوانده و این سال‌های اخیر عمده خطبه‌هایشان در خطبه اول راجع به حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) بود.

مباحثاتی که ایشان با خیلی از علمای غرب داشت. ایشان برای این کار مسافرت کرد، با بزرگان مسیحیت، با بزرگان ادیان رفت گفتگو کرد. برای این اصلاً واتیکان سفر رفتند. ایشان نشست با آن‌ها مباحثه کرده است. چون آن‌ها هم قائل

حضرت ولی‌عصر (ارواحنا فداه) تصمیم گرفتم انجام بدهم این را به نتیجه برسانم، من هم به شوخی گفتم آقا جان پس شما تا می‌توانید این کار را مفصل کش بدهید. چون تا شما این را انجام بدهید ان شاء الله هستید. حالا من العجیب آن شب ایشان زنگ زدند به بنده، خب آقای امامی خیلی شاگرد دارند، خیلی‌ها در دسترس ایشان هستند، با ایشان انس دارند. تماس گرفتند به من که آقا آن کار تمام شد. تا گفتند این کار تمام شده، چاپ شده، من دلم یک دفعه ریخت پایین. مثل این که این به هدف رسیده باشد.

ایشان نسبت به امام زمان (سلام‌الله‌علیه) خیلی حالت بی‌قراری داشت. شما خاطرتان هست در خطبه‌های نماز جمعه تهران نوع خطبه‌های اول ایشان راجع به امام زمان (سلام‌الله‌علیه)

مدرسه عالی شاهد ناله‌های ایشان بود. آقای امامی باحال عجیبی داشت، خیلی باحال نماز می‌خواند، انسان تازه می‌فهمید نماز یعنی چی. شما می‌خواستید شهد نماز را بچشید باید می‌رفتید پشت سر حاج آقا نماز می‌خواندید. اصلاً در نمازش محو بود، عشق می‌کرد. خدای متعال حالات خوش در نماز به ایشان داده بود، شیرینی نماز را به او چشانده بود. غیر از این‌ها که در همه این سال‌ها ایشان آن‌جا نماز داشتند، امامت داشتند، غیر از این، آن وقت‌هایی که حال ایشان هم مساعد بود، شب‌های قدر این‌جا را خود آقا اجراء می‌کردند، مثلاً جلسات بزرگ، یادم هست آن قدیم‌ترها، ناله‌ها، نجواها، مناجات‌ها، دعاها، خیلی حال خوشی داشت.

به منجی آخرالزمان هستند. با آن‌ها هم آقا رفته بود صحبت کرده بود و مباحثه کرده بود و فکر می‌کنم این‌ها جلد دوم کتاب «خط امان» آمده است، بعضی از این گفتگوهایی که ایشان با علمای سایر ادیان داشتند. حاج آقا لبنان رفتند، با خیلی از این آقایان از جمله با جرج جرداق رفته بودند یک جلسه مفصل صحبت کرده بودند. ان شاء الله خداوند بر درجاتش بیفزاید و حشر او را با اولیاء خودش قرار بدهد.

حالات نماز و مناجات آیت‌الله امامی کاشانی (رضوان‌الله‌علیه)

حضرت آیت‌الله امامی کاشانی همه‌اش درس بود، وجود نازینش، فکرش، اخلاقش، تدبیرش، صفای او، اخلاص او، ثبات قدم ایشان در ولایت و این آنسی که با عالم معنا و دعا و مناجات داشتند. شبستان

فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً؛ این می‌شود حیات طیبه، زندگی گوارا، شیرین، دوست داشتنی.

جوان‌هایی که در جلسه هستند یک روز از وقت‌هایشان را نباید در غیر این‌ها تلف کنند، بقیه‌اش بازی است، کشک است. یک وقت به شما گفتم یک دوستی در جبهه که شهید شد، داشتیم می‌رفتیم به خط، همین‌طور در مسیر داشتیم می‌رفتیم گفت حاجی دستت را باز کن، من دستم را باز کردم یک چیزی در کاغذ پیچیده بود این را گذاشت کف دست من، بعد گفت دستت را ببند، من دستم را مشت کردم. گفت من تمام دنیا را گذاشتم در دست شما. گفت حالا باز کن بین. باز کردم دیدم یک دانه کشک است.

ماه رمضان‌شان خیلی ماه رمضان باحالی بود. این ابوحمزه، این دعاها، این اوراد.

برای اُنس گرفتن با خدای متعال، وقت خیلی کم است

رفقا با حال باشید، حال داشته باشید، خودتان کار کنید، از دست می‌رود. این است، دنیا که زود تمام می‌شود می‌رود پی کارش، راه این است. انسان این‌گونه زندگی کند این می‌شود یک حیات طیبه. خدمت به خلق در آن باشد، دعا باشد، اُنس با اهل بیت باشد، اُنس با معارف باشد، اُنس با ولی‌الله الاعظم (ارواح‌نفاذ) باشد، تلاش برای تقویت ولایت باشد، خدمتگزاری به ولی‌امر در آن خالصانه باشد، توسعه معارف الهی باشد. این‌ها باشد عمل صالح است. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْشَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ

فریاد من برسان، وقتی من به خودم بیایم بینم ملک الموت جلوی من ایستاده و من هدف تیر او قرار گرفتم، یعنی کمانش را به سوی من نشانه گرفته است. این صحنه برای همه ما هست، آن تیر ردخور هم ندارد. آن لحظه برای همه ما نزدیک است. انسان این جا صد سال هم عمر کند نزدیک است، فضلا از این که نه، بخواهد زودتر مرخص بشود.

وقت خیلی کم است برای اخلاقی شدن، وقت خیلی کم است برای عارف شدن، وقت خیلی کم است برای عاشق شدن، وقت خیلی کم است برای خیرسانی، وقت خیلی کم است برای گره‌گشایی از بندگان خدا، وقت خیلی کم است برای محبت کردن به دیگران، وقت خیلی کم است. وقت‌هایت را داری کجا تلف می‌کنی؟

بگیر و ببند، و سروصدا و برو و بیا و حرص و طمع و لذت این و آن، در زندگی مجازی و در زندگی حقیقی که حضرت استاد جوادی آملی می‌فرمودند آن دیگر مجازی نیست، نسل جدید اصلاً همه‌اش آن جا زندگی می‌کنند. آن وقت‌ها می‌گفتند **second life** برای این که این الان **first life** است. اکنون زندگی اول‌شان آنجا است، این کجایش مجازی است؟ چه مجازی؟ همه‌اش تلف می‌شود می‌رود.

یادتان هست در دعای چهل و دوم که دعای امام سجاد (علیه‌السلام) در ختم قرآن بود، مفصل هم صحبت کردیم. چه دعایی است. قرآن را می‌خواهی بشناسی دعای چهل و دوم. آن وقت آن جا یک جمله هم دارد، از جمله این است که وقتی که به خودم بیایم، گفت قرآن را به

سرعت می‌گیرد. می‌آید در ماه معظم شعبان سرعتش بیشتر می‌شود، می‌رود به ماه مبارک رمضان که دیگر اصلاً قابل توصیف نیست. «انفاسکم فیہ تسبیح» یعنی چی؟ «نومکم فیہ عبادۀ». این چه ماهی است؟ هفته آینده ان شاءالله خدا بخواهد مثل چنین شبی می‌شود شب اول ماه مبارک رمضان. بین چقدر سریع رسید. چقدر باسرعت رسید. هفته بعد می‌شود شب اول ماه، آغاز ماه رمضان. آماده شدیم؟ از ماه رجب خوب گرفتیم؟ از ماه معظم شعبان توشه‌هایمان را برداشتیم؟ بارت را سبک کردی؟ حجاب‌های ظلمانی را کنار زدی؟ استغفار کردی؟ به درگاه خدای متعال توبه کردی که بتوانی وارد بر ضیافت بشوی؟ از این عنایات الهی، از آن غذاهای معنوی، از آن مائده‌های عرشی، از

به خودم دارم می‌گویم، دور از جان شما. می‌گویم آشیخ جواد وقت‌هایت را کجا داری تلف می‌کنی؟ کجایی؟ وقت خیلی کم است برای اُنس گرفتن با خدای متعال.

ماه مبارک رمضان؛ راه میانبر به سوی مقاصد عالی

آن وقت یک فرصت‌هایی درست می‌شود، می‌شود ماه رجب. یک فرصتی می‌شود، می‌شود ماه معظم شعبان. از همه این‌ها بالاتر یک فرصتی می‌شود ماه مبارک رمضان که می‌شود راه را میانبر رفت، ماه رمضان یعنی راه میانبر به سوی مقاصد عالی. یعنی می‌خواهی عارف بشوی، می‌خواهی عاشق بشوی، می‌خواهی دلداده حق بشوی، می‌خواهی با اولیاء خدا رفیق بشوی، این راه میانبر است. این مسیر وقتی می‌رسد به ماه رجب

تفسیری، قرآنی. لذا دوستان قدر بدانند چیزی دیگر نمانده است، هفته آینده اگر زنده باشیم می‌شود شب اول ماه.

امیدواریم ان شاءالله خداوند تبارک و تعالی خودش ماها را آماده کند. از خزانه لطف و کرمش آماده کند. در جلسه ما امشب ذکر یک عبد صالح به میان آمد، ان شاءالله برکت نازل می‌شود. پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه)

فرمود «عِنْدَ ذِكْرِ الصَّالِحِينَ يَنْزِلُ الرَّحْمَةُ»^۷ رحمت نازل می‌شود. می‌خواستم برای شما جمله نورانی را معنا کنم ولی یک جور دیگری معنا شد، یعنی یک کسی را برای شما توضیح دادم که این جمله «خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يُخْلِصُهَا»^۸ در باره‌اش مستجاب

۷ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، جلد ۹۰، صفحه ۳۴۹
 ۸ فرازی از دعای بیستم صحیفه مبارکه سجادیه

این مناجات شعبانیه استفاده کردی؟ خودت را برای ورود به ماه مبارک رمضان آماده کردی؟ خب آن ضیافت است، یک ضیافت عادی که نیست، «قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبِرِّكَهِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ»^۹ چه ماه عجیبی است، از جمله فرمود «شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ، وَجُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ»^{۱۰}.

در حالات استاد آیت‌الله آقای امامی کاشانی این را می‌دیدیم که من با طیب خاطر می‌گویم عالم ربانی، با طیب خاطر. یعنی شما می‌دیدید از ماه رجب حال‌شان متفاوت است، یعنی ماه شعبان‌شان متفاوت بود، ماه رمضان‌شان دیدنی بود، مراقبت‌ها، انس‌ها، ذکرها، دعاها، توجهات، خدمات، کارهای علمی، فکری،
 ۵ خطبه رسول اکرم (ص) در توصیف ماه مبارک رمضان
 ۶ همان

صحبت کنم، بگوئیم ملعون، بگوئیم خبیث، بگوئیم پلید، چه می‌شود در باره این‌ها به کار برد؟ مخصوصاً راجع به آمریکا. این طرف دارد از رژیم صهیونیستی پشتیبانی می‌کند، آن جا می‌آید پای میز مذاکره آتش‌بس، از آن طرف هوایمان می‌فرستد که مثلاً از آسمان غذا بریزند. خیلی دیگر آخرش هستند. این‌ها مردم دنیا را چی فرض کردند؟ به رغم این کار سنگینی که بر علیه این ملت مظلوم انجام شد، الحمدلله الحمدلله بشارت فتح است. صهیونیست‌ها به هیچ یک از خواسته‌هایشان نرسیدند آمدند پای مذاکره. گفته بودند ما هیچ وقت نمی‌آییم، الان پای مذاکره هستند، آمریکایی‌ها همین جور. با کی؟ با یک گروه مردمی مظلوم، این طرف. هر روز هم که گذشت کار بر آن‌ها سخت‌تر شد. الحمدلله

شده بود، از نزدیک دیدیم. این که فرمودند: «وَأَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يُصْلِحُهَا»^۹ مستجاب شده بود. واقعاً خودساخته، تمیز، این‌ها از جوانی درست می‌شود و با مراقبت به دست می‌آید و ریاضت دارد، کار دارد. لذا ان شاءالله رفقا هم همین مسیر را دنبال کنیم. سعادت در این است.

بشارت فتح برای مردم مظلوم غزه

برای مردم مظلوم غزه دعا می‌کنیم، خوب ایستادند، به شما بگویم بشارت‌ها هم زیاد است. خیلی بشارت‌ها زیاد است، یعنی اکنون این مذاکراتی که دارد برای آتش‌بس انجام می‌شود، این را به شما بگویم آن جماعت کثیف نابکار خبیثی که هیچ کلیدواژه‌ای بنده پیدا نمی‌کنم بخواهم راجع به آن‌ها

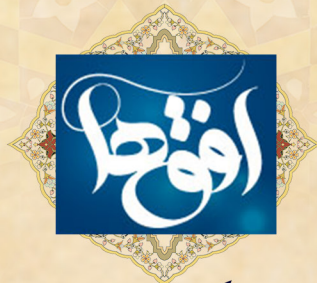
«إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ وَ
 بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ
 وَ الْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغَنَاءِ
 وَ الثَّرْوَةِ وَ عَلَيَّ مَرَضِي
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ
 وَ الصَّحَّةِ وَ عَلَيَّ أَحْيَاءِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللِّطْفِ
 وَ الْكِرَمِ وَ عَلَيَّ أَمْوَاتِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ
 وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ غُرَبَاءِ
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ
 إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ
 بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ».

این مقاومت، آن ضربه‌هایی که حزب‌الله زد، ضربه‌های فراموش نشدنی که انصارالله زد. یمن، حزب‌الله لبنان، بقیه بچه‌های مقاومت، ایران هم که الحمدلله آقای عزیزمان مثل کوه پشت این حرکت مقاومت ایستادند، کار در نقطه خوبی است. بنابراین دعا می‌کنیم که ان شاءالله جبهه مقاومت در این عرصه هم به مقاصد بزرگتر برسد، اگرچه کار زندگی مردم‌شان خیلی سخت است.

گذشتگان تان را، شهداء، امام راحل عظیم الشان، شهدای هفت تیر، این شهدای عزیزى که مجاور حرم باصفای‌شان هستیم و مرحوم آیت‌الله استاد آقای امامی کاشانی را، همه‌شان را با صلوات و فاتحه‌ای شاد کنید.

«اللهم صل على محمد و آل محمد».





افوغها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر